

روش‌گرایی و روش‌گریزی

تردیدی بی‌پایان در عالمرو معرفت‌شناسی

دکتر یزدان منصوریان^۱

دانشیار دانشگاه خوارزمی

مقدمه

به نظر شما، چه سهمی از اکتشاف‌ها و اختراع‌های ماندگار تاریخ بشر محصول مطالعات روش‌مند و منسجم علمی است؛ و چه سهمی از آن ناشی از رخداد‌های غیرمنتظره‌ای بوده که برای ذهن‌های کنجکاو و مشتاق محققان و متفکران بزرگ اتفاق افتاده است؟ به‌سخنی دیگر، آیا همه دستاوردهای علمی و فنی دانشمندان در طول قرن‌های گذشته فقط از مسیر پژوهش‌های رسمی و نظام‌مند میسر شده است؟ پاسخ شما هرچه باشد، این سهم در طیفی از بسیار کم تا بسیار زیاد خواهد بود. اما بعید است کسی منکر این واقعیت باشد که در کنار همه پژوهش‌های روش‌مند، دستاوردهای بزرگی در اختیار بشر قرار گرفته که بیشتر محصول رخداد‌هایی است که نمی‌توان نظم و ترتیب دقیقی برای آن‌ها متصور شد. رخداد‌هایی که بیشتر به تصادف و گاه خوش‌اقبالی شباهت دارند، تا یک کوشش کاملاً هدفمند و حساب‌شده. البته بدیهی است که همواره کوشش و تلاش محققان و خواست و اشتیاق آنان برای کشف واقعیت‌ها بستر اصلی این رخداد‌های نیک‌فرجام بوده است. زیرا آنان با کمک هوش، درایت و نکته‌سنجی خود توانسته‌اند از موقعیت‌های مناسبی که برایشان فراهم شده است استفاده کنند. در نقطه مقابل، می‌توان پرسش دیگری هم مطرح کرد: به نظر شما، چه میزان از پژوهش‌های روش‌مند و دقیقی که هر روز در دنیا انجام می‌شود به نتایجی سودمند و کاربردی می‌رسند و چه میزان از این مطالعات در حد گزارش‌هایی باقی می‌مانند که خوانندگان چندانی ندارند؟ پاسخ شما به این پرسش نیز هر چه باشد، باز در طیفی از کم تا زیاد در نوسان است؛ و بعید می‌دانم کسانی که با مطالعات دانشگاهی و علمی آشنا هستند این واقعیت را انکار کنند که در کنار همه مطالعات روش‌مند و سودمند، تحقیقاتی نیز انجام می‌شوند که هرچند مشکل روش‌شناختی ندارند، دستاورد ارزشمندی هم به دنبال ندارند. مطالعاتی که معمولاً مورد استناد هم قرار نمی‌گیرند و اثر ملموسی از خود به جا نمی‌گذارند. با این حال، عاری از اشکال روش‌شناختی هستند و کسی اعتبار علمی یافته‌های آن‌ها را تکذیب نمی‌کند.

به سخنی دیگر، نه می‌توان منکر دستاورد کوشش‌هایی شد که به‌رغم نداشتن پشتوانه روشی به نتایج ارزشمندی منجر شده‌اند، و نه می‌توان وجود مطالعاتی را انکار کرد که به‌رغم برخورداری از

امتیاز روش‌مندی در عمل هیچ اثر ماندگاری بر جای نگذاشته‌اند. بنابراین، تکیه بر روش و روش‌مندی در تحقیق به‌تنهایی تضمینی برای سودمندی آن نیست و فقدان آن نیز الزاماً نمی‌تواند مبنایی برای نپذیرفتن دستاوردهای مطالعات به‌ظاهر بی‌روشی باشد که بسیار سودمند واقع شده‌اند.

نوشتار حاضر تلاشی است برای پاسخ به این پرسش که سهم روش تحقیق به‌عنوان ابزاری ضروری برای دفاع از درستی و وثوق یک مطالعه علمی، و در ارزیابی موفقیت یا شکست آن، چیست؟ البته پرسش‌های جانبی متعددی در کنار این پرسش اصلی وجود دارد. مثلاً باید دید که اساساً تلقی محققان از روش و روشمندی در تحقیق چیست و چه زمانی آنان مطالعه‌ای را روش‌مند می‌دانند و تأیید می‌کنند و چه زمان از پذیرش برخی از مطالعات، به‌دلیل نداشتن پشتوانه روشی، امتناع می‌ورزند. برای پاسخ به این پرسش‌ها، باید ابتدا دید که منظور از روش تحقیق به‌زبانی ساده چیست و جایگاه آن در فرایند تحقیق کجاست.

مروری بر تعریف روش و روشمندی در پژوهش

تقریباً در همه تعاریف موجود از پژوهش، مولفه روش و روشمندی دیده می‌شود و اغلب نویسندگان این حوزه پژوهش را فرایندی منظم و روش‌مند می‌دانند. مثلاً دلاور (۱۳۸۹، ص ۳۰) با تأکید بر وجه روش‌شناختی پژوهش می‌نویسد: «تحقیق از نظر روش‌شناسی عبارت است از کاربرد روش‌های علمی در حل یک مسئله یا پاسخگویی به یک سؤال». در تعریفی مشابه، کومار (۱۳۷۴، ص ۵) پژوهش را فرایندی منطقی و معقول می‌داند که هدف آن کشف روابط بین پدیده‌هاست. از مهم‌ترین کارکردهای پژوهش، که کومار به آن‌ها اشاره می‌کند، می‌توان به کاربرد پژوهش در تولید دانش نو، امکان کشف کاربرد تازه دانش کهن، آموزش بهتر، و حل مسئله‌ها اشاره کرد.

پاول (۱۳۸۵، ص ۲)، با مرور منابع پیشین در این زمینه، پژوهش را بررسی و آزمایشی پرتلاش می‌داند که با هدف کشف و تفسیر واقعیت‌ها و تجدید نظر در نظریه‌ها یا قوانین پذیرفته‌شده در پرتو واقعیت‌های جدید انجام می‌شود. بر این اساس، پاول پژوهش را مستلزم بررسی دقیق و جامع در تمامی شواهد قابل بررسی در یک مسئله قابل بررسی می‌داند، که قرار است از طریق گردآوری

نوشتار حاضر تلاشی است برای پاسخ به این پرسش که سهم روش تحقیق به‌عنوان ابزاری ضروری برای دفاع از درستی و وثوق یک مطالعه علمی، و در ارزیابی موفقیت یا شکست آن، چیست؟

نه می‌توان منکر دستاورد کوشش‌هایی شد
که به‌رغم نداشتن پشتوانه روشی به نتایج
ارزشمندی منجر شده‌اند، و نه می‌توان وجود
مطالعاتی را انکار کرد که به‌رغم برخورداری از
امتیاز روش‌مندی در عمل هیچ اثر ماندگاری بر
جای نگذاشته‌اند



مفاهیمی همچون روایی، پایایی و اعتبار^۳ تعریف شده است.

مدافعان و مخالفان روش

مروری بر آثار موجود در این زمینه نشان می‌دهد که برخی از محققان به‌سختی از لزوم وجود روش و پایبندی به اصول روش‌شناختی دفاع می‌کنند و هیچ جایگاهی برای مطالعات ناسازگار با روش‌های پذیرفته‌شده قائل نیستند. آنان بر این باورند که اگر محقق در پژوهش خود اصول روش‌شناختی را جدی نگیرد و حتی ذره‌ای از آن تخطی کند، یافته‌هایی که به دست می‌آورد فاقد ارزش و اعتبار علمی است. به‌بیانی دیگر، پژوهشی که در آزمون روش‌شناختی امتیاز کافی کسب نکند از دایره علمی خارج است و همه یافته‌های آن در سایه‌ای از تردیدی جدی قرار دارد.

در مقابل، گروهی دیگر از متفکران بر این باورند که در سهم روش در قلمرو معرفت‌شناسی اغراق شده است. آنان نسبت به شایستگی جایگاه بلندی که روش در این عرصه به دست آورده است تردید دارند؛ و حتی گاهی روش را همچون سد و مانعی می‌دانند که ذهن محقق را محدود می‌کند و از رسیدن به شناخت بیشتر باز می‌دارد؛ به‌بیانی دیگر، روشی که قرار است در خدمت پژوهش باشد خود سدی بر سر راه آن خواهد شد.

و تحلیل نظام‌مند داده‌ها ما را به راهکارهای تازه در حل مسائلی مشخص رهنمون شود.

کلیت (۱۳۹۰) تلاش برای اکتشاف را وجه مشترک همه فعالیت‌های پژوهشی می‌داند، ولی این وجه مشترک را به ۳ شرط اخلاقی بودن، تکیه بر تردید، و نظامندی محدود می‌کند؛ به این معنا که هرچند خواست محقق برای کشف واقعیت‌ها و نزدیک شدن به حقیقت مبنای اصلی تلاش محققان است، آنان در این زمینه باید همواره ملاحظات اخلاقی و اجتماعی تحقیق را رعایت کنند، از پذیرش بدون استدلال و شتابزده بهره‌یزند و در نهایت فرایند تحقیق را به‌شکلی منظم و منطبق بر اصول روش‌شناختی تحقیق دنبال کنند. به این ترتیب، گرچه همواره در هر پژوهشی خواستی روشن برای اکتشاف و شناخت بیشتر وجود دارد، هر جست‌وجویی برای کشف واقعیت‌ها الزاماً پژوهش نیست؛ بلکه جست‌وجویی پژوهش است که روشمند و اخلاق‌مدار باشد.

خادمی (۱۳۸۵، ص ۴۱)، با تأکید بر اهمیت روش در تحقیق، می‌نویسد: «پژوهش را می‌توان مجموعه فعالیت‌های منظم و منطقی دانست که اندیشمندان برای پاسخگویی به سؤالاتی که در ذهن دارند، دنبال می‌نمایند. آنچه پژوهش‌های علمی را از غیرعلمی جدا می‌کند، مسیرها و روش‌هایی است که در پژوهش به کار گرفته می‌شود.»

پورنظامی (۱۳۸۵)، با مرور پیشینه موجود در این زمینه، بر ۳ کارکرد روش تأکید می‌کند. بر این اساس، هر روش یا ابزاری برای کشف مجهولات و حل مشکلات است، یا مجموعه قواعدی که باید هنگام بررسی واقعیت‌ها به کار گرفته شوند، یا ابزار یا فنونی که آدمی را در مسیر مجهولات به معلومات هدایت می‌کند. از منظر روش‌شناختی نیز، او به ۴ ویژگی انتظام، عقلانی بودن، روح علمی، و واقعیت‌گرایی^۲ نهفته در روش اشاره کرده است.

به این ترتیب، روش‌های علمی ماهیتی منظم، منسجم، عقلانی، آزمون‌پذیر و تکرارپذیر دارند؛ به این معنا که هر گاه پژوهشگران از روشی مشخص استفاده می‌کنند، این روش تابع نظم و ترتیبی منطقی است که میان اجزاء آن پیوندی منسجم و دقیق وجود دارد. علاوه بر این، دیگران نیز می‌توانند در شرایط مشابه همان مسیر را طی کنند و آنچه را رخ داده است مورد آزمون و بررسی مجدد قرار دهند. شاخص‌های تحقق این اهداف نیز در

پاول کارل فایرابند - فیلسوف اتریشی که ۳۰ سال در دانشگاه برکلی کالیفرنیا به تدریس و پژوهش درباره فلسفه علم مشغول بود - از مخالفان سرسخت روش است

می‌رسد و ممکن است زمینه‌ای برای سوء برداشت و حتی سوء استفاده کسانی فراهم کند که در پناه این نگرش افراطی بنیاد روش و روش‌شناسی را نشانه بگیرند و تیشه به ریشه آن بزنند. زیرا هرچند روش به‌تنهایی برای رسیدن به شناخت پدیده‌های مورد مطالعه کافی نیست، هرگز از آن بی‌نیاز نیز نخواهیم بود. اگر روش در میان نباشد، آنگاه دنیای علم و پژوهش دچار آشفتگی و نابسامانی جبران‌ناپذیری خواهد شد که زبان آن به‌مراتب بیش از زبان پایبندی به روش خواهد بود.

بنابراین، به نظر می‌رسد که نه تأکید مفرط بر جایگاه روش مشکلی از دنیای علم و دانش حل می‌کند و نه دیدگاه‌های ضدروشی افراطی‌ای نظیر آنچه فایرابند مطرح ساخته است. همان‌طور که مقدم حیدری (۱۳۹۱) در نقد خود نشان می‌دهد، فایرابند، که هیچ ضرورتی برای پیروی از منطق و روش علمی نمی‌بیند، در استدلال خود برای اثبات بی‌نیازی به روش از برهان خلف - که خود روشی مشخص است - استفاده می‌کند. به‌سخنی دیگر، حتی اگر بخواهیم استدلال کنیم که در تفکر و علم به روش نیازی نداریم، برای تبیین و اثبات همین استدلال باز هم به روش نیاز خواهیم داشت.

به‌نظرم، روش، تا زمانی که به پژوهش نظم و انسجام می‌بخشد و امکان‌دآوری و قضاوت درباره یافته‌های علمی را فراهم می‌کند، کاملاً سودمند و حتی ضروری است. اما هرگاه روش جایگاهی فراتر از ابزار پژوهش پیدا کند و به هدف تبدیل شود، آنگاه می‌تواند خود مانع شناخت محقق باشد؛ به این معنا که هرگاه محقق وظیفه خود را، که شناخت واقعیت و نزدیک شدن به حقیقت است، فراموش کند و تنها دغدغه حفظ صورت ظاهری روش را داشته باشد، دچار نگاهی افراطی به روش می‌شود و امکان هرگونه خلاقیت و نوآوری را از خود سلب می‌کند.

سخن پایانی

مرور و مقایسه استدلال‌های مختلف در زمینه جایگاه و اهمیت روش‌شناسی در پژوهش نشان می‌دهد که - به‌رغم وجود چند دیدگاه معدود افراطی - توافق نسبتاً جامعی بر ضرورت و اهمیت روش در پژوهش وجود دارد؛ به این معنا که روش و روشمندی از عناصر بنیادین و اساسی در هر تحقیق است و هرگز نمی‌توان اهمیت آن را نادیده گرفت.

در این میان، پاول کارل فایرابند^۴ - فیلسوف اتریشی که ۳۰ سال در دانشگاه برکلی کالیفرنیا به تدریس و پژوهش درباره فلسفه علم مشغول بود - از مخالفان سرسخت روش است. فایرابند، در آثار و مباحث خود، نشان می‌دهد که روش‌های موجود، به آن میزان که تصور می‌شود، توان کافی برای رساندن محقق به شناخت بیشتر را ندارند؛ و این ادعا را به‌تفصیل در کتاب معروف خود، با عنوان ضد روش، تبیین می‌کند. فایرابند، در ابتدای این اثر، بخشی با عنوان «نمایه تحلیلی» افزوده است که در آن ۲۰ محور اصلی کتاب را معرفی می‌کند و در همان ابتدا به خواننده یادآور می‌شود که قرار است درباره چه مسائلی گفت‌وگو کند، که این خود ابتکار جالبی است و شاید بتواند برای سایر نویسندگان مباحث نظری و فلسفی نیز شیوه آموزنده‌ای باشد (فایرابند، ۱۹۹۳). در این اثر، فایرابند تأکید می‌کند که التزام به روش پژوهش تضمینی برای کشف حقایق پدیده مورد بررسی یا حل مسئله پژوهش نیست و چه‌بسا، در مواردی، آنچه بی‌روشی خوانده می‌شود پاسخ بهتری در پی داشته باشد. تصور او از ماهیت علم تصویری بسیار نامنظم و آشوبناک است که دچار نوعی آنارشیزم و بی‌نظمی ذاتی است و در حصار محدود روش شناختی نمی‌گنجد. بر همین اساس، فایرابند روش تحقیق را، نه به‌عنوان یک ابزار مطمئن برای وثوق پژوهش، بلکه بیشتر توافقی میان محققان می‌داند که بستری برای بحث و داوری آنان فراهم آورده است. بنابراین، فایرابند معتقد است که آنچه علم را در طول تاریخ به پیش برده است فقط بر بنیاد روش استوار نبوده است. حتی او، با ذکر مثال‌هایی تاریخی از کشفیات متفکرانی نظیر گالیله و کوپرنیک، نشان می‌دهد که گاه طرح فرضیه‌هایی که با نظریه‌های بسیار معروف زمان خود همخوانی ندارد، بیش از تکرار فرضیه‌های سازگار و همخوان با این نظریه‌ها مبنای پیشرفت علوم شده است. ابطحی (۱۳۸۳، ص ۵۲)، با بررسی نظریه آنارشیزم معرفتی در آثار فایرابند، در این زمینه به داستان گالیله اشاره کرده و می‌نویسد: «فایرابند معتقد است یک تناقض جدی در اعمال کسانی وجود دارد که از یک سو گالیله را می‌ستایند و کلیسا را محکوم می‌کنند؛ و از سویی دیگر وقتی به کارهای معاصران خودشان برمی‌گردند درست همان نوع دقت‌های عقلانی را به کار می‌گیرند که کلیسا بر اساس دانش آن روزگار نسبت به گالیله اعمال کرد.» البته دیدگاه فایرابند در این زمینه کمی افراطی به نظر

**فایرابند تاکید می‌کند که التزام به
روش پژوهش تضمینی برای کشف
حقایق پدیده مورد بررسی یا حل
مسئله پژوهش نیست**

2. Systematization, Rationality, Scientific Mind, and Realism
3. Validity, Reliability, Trustworthiness
4. Paul Karl Feyerabend
5. Serendipity

مأخذ

- ابطحی، سید عبدالحمید (۱۳۸۳). «آنارشسیسم معرفتی: ره‌آوردی از علم‌شناسی فایرابند». نشریه ذهن، شماره ۱۷، ص ۳۹-۶۴.
- پاول، رونالد (۱۳۸۵). روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران. ترجمه نجلا حریری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- پورنظامی، ایوب (۱۳۸۵). «پژوهش به‌مثابه بازی بی‌روش». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی روش‌های تحقیق در علوم، فنون و مهندسی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ص ۶۱۵-۶۳۰.
- خادمی، عزت (۱۳۸۵). «تحولات روش‌شناسی پژوهش در علوم انسانی». فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی حوزه و دانشگاه. سال ۱۲، شماره ۴۹، ص ۲۵-۴۵.
- دلاور، علی (۱۳۸۹). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. ویراست چهارم. تهران: نشر ویرایش.
- کلیت، مری (۱۳۹۰). چگونه فراگیران را پژوهشگر تربیت کنیم. ترجمه علیرضا کیامنش و جاوید سرایی. تهران: آبیژ.
- کومار، کریشان (۱۳۷۴). روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی. ترجمه فاطمه رها دوست و فریبرز خسروی. تهران: کتابخانه ملی.
- مقدم حیدری، غلامحسین (۱۳۹۱). «روش‌شناسی فایرابند». فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۱۸، شماره ۷، ص ۱۴۹-۱۷۶.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). «در نکوداشت و نکوهش روش پژوهش». پایگاه تحلیلی خبری لیزنا. دسترس‌پذیر در: <http://www.lisna.ir>
- Feyerabend, P. (1993). *Against Method*. 3rd edition, London: Verso Books.
- Foster, A. E. & Ford, N. J. (2003). "Serendipity and Informationseeking: an empirical study". *Journal of Documentation*, Vol. 59, No. 3, pp. 321-340.
- Erdelez, S. (2005). *Information Encountering*. In K. E. Fisher, S. Erdelez, and E. F. McKechnie (Eds.) *Theories of Information Behavior*. Medford, NJ: Information Today.

منصوریان (۱۳۹۱) در این زمینه می‌نویسد: «پژوهش فرایندی روشمند و منسجم است، و محقق نمی‌تواند خود را از روش بی‌نیاز بداند. بنابراین، در فرایند تولید علم وجود روش کاملاً لازم است، اما کافی نیست. زیرا روش بیش از آنکه مولد علم باشد، ابزاری در اختیار محقق است که اگر در شرایط مناسب به خوبی از آن استفاده کند به نتایج سودمندی خواهد رسید؛ و اگر آن را به خوبی به کار نگیرد به نتیجه مطلوبی نخواهد رسید. به سخنی دیگر، کارایی هر روش به مهارت محقق در به کارگیری درست آن بستگی دارد. بنابراین، روش فقط زمانی مؤثر خواهد بود که در دستان محققان ماهر و توانمندی قرار گیرد که مشتاقانه به کسب شناخت بیشتر عشق می‌ورزند، و علاوه بر تسلط بر روش پژوهش از منش آن نیز برخوردارند.»

در همین راستا، چند سالی است که در حوزه مطالعات رفتار اطلاعاتی انسان مفهومی وارد شده است که شاید بهترین مترادف آن در فارسی «نیک‌بختی»^۵ باشد. این مفهوم در مقاله فاستر و فورد (۲۰۰۳) مطرح شده و در نظریه «مواجهه اطلاعاتی» اردلز (۲۰۰۵) نیز توسعه یافته است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی، محقق به اطلاعاتی دست می‌یابد که انتظار آن را نداشته یا در جست‌وجوی آن نبوده است. اما آنچه او نیک‌بختانه یافته است تأثیری بنیادی بر پژوهش او داشته است. این در حالی است که او نمی‌تواند به‌درستی توضیح دهد که چگونه به این دستاورد رسیده است و آیا دیگران نیز می‌توانند تجربه مشابهی داشته باشند یا خیر. به‌سخنی دیگر، این تجربه قابلیت تدوین دقیق و تکرار دوباره را ندارد و شاید نتوان توجیه روش‌شناختی دقیقی نیز برای آن ارائه نمود. اما تأثیر سودمند و گاه حیاتی آن بر فرایند تحقیق انکارناپذیر است.

بنابراین، در پایان، می‌توان گفت که ما در تحقیقات خود به روش تحقیق نیازمندیم و باید به آن وفادار باشیم؛ اما روش به‌تنهایی باعث شناخت پدیده مورد مطالعه نمی‌شود. این شناخت حاصل و برآیند عناصر و مؤلفه‌های دیگری، از جمله اشتیاق و خلاقیت محقق، است که روش را به ثمر می‌رساند. به‌سخنی دیگر، وجود روش در پژوهش لازم است، اما به‌تنهایی کافی نیست. به همین دلیل، گرچه محققان باید گام‌های روش‌شناختی را در تحقیق خود به‌دقت دنبال کنند، اما نباید با تکیه مفرط بر روش و استناد به آن خود را از خلاقیت و نوآوری بی‌نیاز بدانند.

پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@khu.ac.ir